



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۱۲/۹

جلیل غنی هروی

تجاوز مستقیم ایران بر فرهنگ افغانستان

چهار روز قبل بود که کنفرانسی با اشتراک یک هیات از افغانستان شامل داکتر داود مرادیان، داکتر سید مخدوم رهین، عبدالغفور لیوال، محیب الرحمن رحیمی سخنگوی رئیس اجرائیه افغانستان در تهران دایر شد. درین کنفرانس غلام علی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در ایران گفت این فرهنگستان حاضر است به دولت افغانستان در زمینه تقویت ذخیره واژه های (لغات) فارسی در این کشور کمک کند.

حداد عادل که در نخستین گفت و گوی فرهنگی ایران و افغانستان در تهران صحبت می کرد، گفت: "فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در ایران در طول فعالیت خود توانسته است بیش از ۵۵ هزار معادل فارسی را برای لغات خارجی پیدا کند و ما آماده ایم این کلمات را در اختیار دولت افغانستان قرار دهیم تا آموزش زبان فارسی در مدارس این کشور راحت تر شود".

به گزارش خبرگزاری فارس، رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات ایران همچنین گفته که با همکاری افغانستان می توان موضوعات مربوط به دانشمندان، علما و شخصیت های تاریخی و تاریخ افغانستان را در دایرة المعارف اسلامی ایران گنجانید. که این خود یک تجاوز و سرقت رسمی افتخارات تاریخی افغانستان خواهد بود.

حداد عادل همچنین با اشاره به نقش "بنیاد سعدی" که مسئولیت گسترش زبان فارسی در خارج ایران را به عهده دارد، گفت: "بنیاد سعدی" آمادگی کامل دارد تا در زمینه آموزش فارسی در افغانستان همکاری کند".

ولی جای تاسف اینجاست که هیات افغانی بجای این که به چنین اظهارات متجاوزانه به فرهنگ و زبان دری و اهانت به کفایت و لیاقت ادبای افغانستان و گذشته و تاریخ پُر بار زبان و ادب دری جواب دندان شکن بدهد و از فرهنگ و زبان دو هزار ساله وطن دفاع کند با خصلت مزدور مآبانه و خدمتگارانه، نه تنها که این اظهارات او را با ادب خاصه فرهنگ افغانی رد نکرد بلکه بطور ضمنی همنوا گردید. یکی از اعضای این هیات دلیل عدم پذیرش لغات خود ساخته و نه تنها نا مانوس بلکه بی مفهوم را در افغانستان "ایران ستیزی" عنوان می کند و دیگری مرز بخشی های سیاسی و تشکیل حدود افغانستان موجود را نا موجه می داند.

داکتر داود مرادیان رئیس انستیتوت مطالعات ستراتیژیک افغانستان و عضو این هیات می گوید:

"در افغانستان ایران ستیزی وجود دارد و ایران ستیزی که در افغانستان وجود دارد، از جنبه های ایدیا لوژیکی، تباری و سیاسی است".

و مجیب الرحمن رحیمی سخنگوی دفتر داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه و عضو دیگر این هیات علاوه از اینکه از تشکیل افغانستان توسط خود افغانها منکر است و بی خبری او را از تاریخ و افتخارات افغانستان نشان میدهد، می گوید:

افغانستان را انگلیس ها ساختند و می افزاید: " بدین ترتیب سرحد بخشی ها غیر عادلانه بود. بافت اجتماعی منطقه را بر هم زد و ملیت گرائی را در منطقه به وجود آورد که عواقب منفی در منطقه داشته است" او همچنان گفت: "ملت سازی در افغانستان بر اساس قومیت پشتون است و درین راستا کوشش شده از زبان فارسی چشم پوشی شود" رحیمی به این نظر است که برای رفع موانعی که در اثر سرحد بخشی ها به وجود آمده، بهتر اینست که بر یک حوزه تمدنی تاکید شود.

حضرت سعدی که همین بنیاد ایرانی بنام او مسمی شده و داود مرادیان هم یکی از میزبانان این کنفرانس در همین بنیاد بود چه در سفته است:

زبان در دهان خرد مند چیست

کلید در گنج صاحب هنر

چو در بسته باشد چه داند کسی

که جوهر فروش است یا پیله ور

هر کم سوادى که به جریان این کنفرانس که باز تاب گسترده در رسانه های گروهی و اجتماعی داشته، توجه نماید درک می کند که ایرانی ها مذبحخانه تلاش دارند به کمک عیادی های شان در افغانستان و نفوذ بر دستگاه حاکمه نه تنها به سرقت افتخارات تاریخی و فرهنگی افغانستان دوام بدهند بلکه همچنان به اهانت های شان به افغانها که گاهی به طعنه آنها را «افاغنه» می گویند ادامه داده و پیشنهاد میکنند که حاضر اند افغانها را فارسی درس بدهند. فراموش کرده اند که کلام الغیب حافظ شیرازی اهمیت و کفایت و پُر باری زبان دری را چنین ارج می گذارد:

ز شعر دلکش حافظ کسی شود آگاه

که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

حضرت حافظ در جای دیگری می گوید:

چو عندلیب فصاحت فرو شد ای حافظ

تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن

این ایرانی ها میخواهند نسل جوان و نسل های آینده افغانستان را با تاریخ و فرهنگ آنها بیگانه سازند، تا دیگر هیچ افغانی در آینده از گذشته شرمناک ایرانی ها و شکست های مفتضحانه آنها و مظالمی که صفویان در افغانستان کرده اند و اماکن مقدس افغانستان مثل مسجد جامع تاریخی و بی مانند هرات را که پنجمین مسجد بزرگ و با عظمت در جهان است به اسطبل (طویله) حیوانات شان مبدل ساخته بودند، آگاهی حاصل کند.

زبان بازگو کننده مدنیت و فرهنگ یک کشور است که بزبان و ادبیات همان عصر نگاشته شده. بیگانه ساختن نسل های نو با زبان و آثار گذشتگان، بیگانه ساختن آنها با فرهنگ و تاریخ گذشتگان آن ملت است و این چیزی

است که ایرانی ها از سالیان دراز در آرزوی بر آورده ساختن آن بودند و امروز با استفاده از هرج و مرج سیاسی و دامن زدن به نقاضت های قومی و زبانی که نمونه های از آن در بالا تذکر داده شد، به آسانی می خواهند به این امیال شوم شان برسند.

برای توضیح بهتر اهمیت زبان یک ملت به حیث یکی از ارکان عمده فرهنگ و هویت ملی و برای معلومات به آنانی که از بی خبری و یا عمداً آنرا هراج می کنند و دو دسته به دشمنان فرهنگ و متجاوزین تقدیم می نماینده، مختصراً اشاره می شود که زبان یکی از ارکان عمده و حتمی هویت ملی یک ملت است و به حیث جزء عمده فرهنگ هر ملتی از طرف جامعه شناسان و فرهنگیان شناخته شده است. در تعریف فرهنگ می خوانیم که: "مجموع روش ها، عنعنات و اعتقاداتی که یک گروه را از گروه دیگر متمایز می سازد. فرهنگ از طریق زبان، اشیای مادی، مناسک مذهبی، نهاد ها و آرت (هنر) از نسلی به نسلی انتقال می یابد".

برخی زبان را جدا از لسان میگویند و به این عقیده هستند که زبان محض برای "عضله در دهن اطلاق میشود که به وسیله آن غذا چشیده و طعم غذا سنجیده میشود و در بلعیدن غذا کمک میکند" و برای "زبان" به مفهوم عام آن از کلمه "لسان" باید استفاده شود.

در فرهنگ عمید زبان چنین تعریف شده است:

« زبان، زُفان، زوان، عضو گوشتی و متحرک که در دهان انسان و حیوان قرار دارد و با آن مزه چیز ها چشیده می شود و به جویدن غذا و بلع آن کمک می کند و انسان به وسیله آن حرف می زند. به معنی لهجه و طرز تکلم و گفتار هر قوم و ملت نیز می گویند» (فرهنگ عمید صفحه ۶۸۰)

فرهنگ عمید "لسان" را اینطور تعریف کرده است: « زبان، السنه جمع" و تشریح بیشتری ندارد. (فرهنگ عمید صفحه ۱۰۲۸)

در زبان عربی هم "لسان" به هر دو معنی بکار برده شده هم برای "وسيلة چشیدن غذا و کمک در بلعیدن" و هم برای "تکلم" برای هر دو مفهوم از "لسان" استفاده می شود.

اما فرهنگ انگلیسی (Free Merriam Webster Dictionary) زبان را چنین تعریف می کند: (the system of words or signs that people use to express thoughts and feelings (to each other

ترجمه: « روش و طرز کلمات و یا علایمی که مردم برای ابراز تفکر و احساس شان به یکدیگر بکار می برند».

و فرهنگ انگلیسی به فارسی "حییم" کلمه (Language) را این طور تعریف میکند: «زبان، کلام، سخنگویی، تکلم، عبارت، کلمه بندی» (فرهنگ انگلیسی -فارسی صفحه ۲۷۳) و برای کلمه "زبان" که مراد آن "وسيلة چشیدن و کمک در بلعیدن" باشد کلمه Tongue استعمال میشود ولی در زبان و ادب دری برای هر دو منظور تنها کلمه "زبان" بکار میرود و در متون قدیم دری هم تنها همین کلمه بکار رفته است.

از تقریباً چهل سال به اینطرف جنگ با ابعاد گسترده و وسیع آن در افغانستان همه شیرازه های زندگی مردم ستم دیده و بلا کشیده افغانستان را در هم ریخت و اثرات نا مطلوب آن نه تنها در بخشهای اقتصادی و مالی و سیاسی و اجتماعی، بلکه در فرهنگ غنی این سرزمین با تاریخ کهن چندین هزار ساله، نمودار است که زمانی مهد تمدن و مرکز فرهنگی بود که از همین سرزمین به اقصی نقاط جهان پخش گردید. زبان دری و پشتو که از همین خطه

نشأت نمود تا شرق میانه و جنوب آسیا حاکم شد و زبان دری برای صد ها سال زبان رسمی دربار مغل های هند گردید.

زبان پشتو هم، که این سرزمین پرورشگاه آنست، یکی از زبان های پربار منطقه شده است. ولی جنگ خانمانسوز که با کودتای کمونیست ها و سپس تهاجم قشون سرخ شوروی سابق آغاز و تا امروز به انواع و اقسام دیگر و به حیث یک جنگ نیابتی و تحمیلی به بهانه های گوناگون جریان دارد، اثرات نا مطلوبش را بیشتر بر فرهنگ و زبان مردم ما وارد کرده است که توجه جدی را برای احیای زبان ها و لهجه های اصیل ملت افغانستان ایجاب میکند.

در صورتیکه زبان موجود یک جامعه جوابگوی نیاز مندی های همان جامعه باشد، لازم می افتد که ترکیبات و کلمات و اصطلاحات مروج حامل افتخارات و عنعنات و فرهنگ جامعه حفظ گردد و ضرورتی به تبدیل نمودن چنین کلمات و اصطلاحات که بخشی از بدنه اصلی همان زبان میگردد، دیده نمی شود مگر اینکه با انکشافات جدید و تازه اسماء و ترکیبات جدیدی توأم با چنان انکشافات وارد زبان گردد که درین راستا می توان از فر آورده های انکشافات تخنیکی و علمی، تحولات عمده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نام برد.

سخن بر این نیست که چرا برخی کلمات و یا اصطلاحات وارد زبان دری و یا پشتو شده است و یا می شود؟ اگر معادل این کلمات و اصطلاحات را درین زبان ها نداشته باشیم باید از آنها، تا جائیکه با فرهنگ و شئون ملی و افغانی ما نا سازگار نباشد، استفاده کنیم نه اینکه بطور مثال ما در حالیکه «تمرینات نظامی» داشته باشیم و برای مردم هم از سالها و قرنها مفهوم داشته باشد بجای آن «رزمایش» را استعمال کنیم، و یا هم کلماتی بجای زراعت (کشاورزی)، اختلاف (تنش) راکت (موشک) تاجر (بازرگان) هلی کوپتر (چرخ بال) اردو (ارتش) محکمه (دادگاه)، گنهکار (خاطی)، تحقیق کننده (بازرس)، محکمه اختصاصی (دادگاه ویژه) شاروالی (شهر داری) و ده ها کلمه دیگری که در نشرات برخی از رسانه های گروهی در افغانستان معمول است و استعمال می شود و قابل فهم و درک هم برای مردم نیست.

در دوره ای زمامداری حامد کرزی بدون دوره انتقالی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ یعنی پس از دور اول انتخابات ریاست جمهوری تا پایان دوره دوم ریاست جمهوری او در سال ۲۰۱۳، روش سیاسی افغانستان با همه کشورها، بخصوص کشورهای همسایه، روش اغماض و سازش، تسلیم مآبانه و مصلحتی بود.

وزارت اطلاعات و فرهنگ حکومت آقای کرزی هم با پیروی از این روش، نه تنها اینکه به تهاجمات فرهنگی کشورهای همسایه خاصاً ایران و پاکستان توجهی نکرد بلکه برای ترویج اصطلاحات و لغات جعلی در زبانهای دری و پشتو دست بازی به گرداندگان رسانه های گروهی داد.

پایان